

آثار تعاونیهای تولید کشاورزی در فرایند تولید*

دکتر عزتالله کرمی**، کوروش رضائی مقدم**

چکیده

افزون بر نیمی از جمعیت جهان در نواحی روستایی کشورهای در حال توسعه زندگی میکنند که از نظر فقر، سوء تغذیه و سواد بدترین بخش از جمعیت جهان به شمار می‌آیند. رفع معضلات این جمعیت عظیم از طریق برنامه‌ریزی آگاهانه توسعه روستایی امکانپذیر است، به طوری که هر برنامه مؤثر توسعه روستایی باید از

* بودجه این پژوهش با عنوان « ارزشیابی تعاونیهای تولید روستایی در فعالیتهای تولید کشاورزی» توسط مؤسسه پژوهشهای برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی وزارت جهاد کشاورزی تأمین شده که بدینوسیله از آن مؤسسه تشکر و قدردانی می‌گردد.

** به ترتیب: استاد و دانشجوی دکتری بخش ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه شیراز.

آثار تعاونیهای تولید کشاورزی در فرایند تولید

۴

راه افزایش تولید و مشارکت توده‌های روستایی و توسعه و برخورداری از مزایای آن، به مقابله با فقر برخیزد. در واقع هر برنامه توسعه روستایی باید از دو بعد مورد توجه قرار گیرد؛ نخست از لحاظ آثار آن بر تولید و دوم از نظر توزیع منافع آن در جامعه روستایی. از آنجا که نقش تعاونی تولید در فرایند تولید و نهایتاً توسعه روستایی مهم است و باتوجه به اینکه سرمایه‌گذاریها و تلاشهای گسترده‌ای برای تأسیس و پیشبرد تعاونیهای تولید کشاورزی انجام گرفته لذا هدف کلی این پژوهش نیز مطالعه و بررسی آثار تعاونیهای تولید در فرایند تولید محصولات کشاورزی و رفع نیازهای کشاورزان در امر تولید محصولات کشاورزی است.

این پژوهش از نوع پژوهش ارزشیابی است و با به‌کارگیری روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده در استانهای فارس و بوشهر صورت گرفته است. به این منظور در مجموع با ۵۲ نفر مدیر عامل و ۲۶۰ نفر کشاورز در ۵۲ تعاونی تولید مصاحبه و اقدام به تکمیل پرسشنامه شد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که عملکرد تعاونیهای تولید در رفع نیازهای کشاورزان در مجموع ضعیف بوده و شاخص کلی عملکرد نیز، که حاصل جمع عملکرد تعاونیهای تولید کشاورزی در مراحل پیش از کاشت، داشت، برداشت، پس از برداشت و انجام خدمات ترویجی است، بر این موضوع تأکید دارد،

اقتصادکشاورزی و توسعه، ویژهنامه بهره‌وری و کارایی، زمستان ۳
۱۳۸۴

هر چند بین تعاونیهای مختلف از نظر این شاخص تفاوتی نیز وجود دارد به طوری که میانگین عملکرد برخی تعاونیها در فعالیتهای پس از برداشت، کمترین و برخی نیز در فعالیتهای داشت و کاشت بیش از دیگر مراحل بوده است.

کلید واژه‌ها:

تعاونی تولید کشاورزی، پژوهش ارزشیابی، ارزشیابی آثار.

مقدمه

تعاونیها در تمام کشورها به نوعی با هفت اصل تعاونی راجدیل اداره میشوند که در ۱۸۴۴ توسط ۲۸ نفر و با ۲۸ پوند شروع به کار کرد (Benoit, 1991). این تعاونی از سوی گروهی از رهبران طبقه کارگر، که شغل خود را بر اثر اعتصاب از دست داده بودند، تشکیل شد. آنان کاسبان خردی بودند که از راه اقتصاد مقیاس سود می‌بردند. در واقع تعاونی راجدیل به عنوان سازوکاری برای بقا از راه اقتصاد مقیاس در یک نظام رو به توسعه سرمایه داری شکل گرفت.

هر برنامه توسعه روستایی باید از دو بعد مورد توجه قرار گیرد؛ نخست از لحاظ اثرهای آن بر تولید و دوم از نظر توزیع منافع آن در جامعه روستایی. نقش

تعاونیها در کاهش فقر روستایی همواره مورد بحث بوده است. اما روند کلی این است که تعاونیها به گروههای فقیرتر منافع کمتری می‌رسانند (منابع شماره ۱۸، ۲۲، ۲۳، ۲۴). نقد دیگر اینکه در جهان سوم بیشتر تعاونیها واقعاً تعاونی نیستند بلکه شبه‌تعاونیهایی هستند که توسط مؤسسات دولتی از بالا تحمیل می‌شوند و تلاشها برای خود اتکا کردن تعاونیها، که با حمایت قوی دولت ایجاد شده‌اند، در کل موفق نبوده است (Verhagen, 1980).

اما تعاونیهای تولیدی نیز وجود دارند که توانسته‌اند در بهبود شرایط کلی زندگی و فرهنگ جامعه مؤثر باشند (Juhasz, 1986). یک نمونه تعاونی موفق، تعاونی گامبیرا^۱ در هندوستان است (Kumar, 1990). در کارکرد این تعاونی، پیشرفته‌ترین اصول دینامیک گروهی به طور موفق به کار گرفته شده و ۲۹۱ کشاورز حاشیه‌ای خرده پا و بدون زمین عضو آن، در حال حاضر دارای منبع درآمدی مطمئن هستند و تمام آنها در بالای خط فقر قرار دارند. همچنین این تعاونی در ایجاد کشاورزی گروهی نیز موفق بوده است.

بنابراین در صورتی تعاونیها تبدیل به ابزاری مؤثر در توسعه روستایی می‌شوند که آنها را به عنوان بخش ضروری از سیاستهای توسعه روستایی و مرتبط با برنامه‌های ملی در نظر بگیریم. در این باره لازم است

دریابیم که هدفهای اساسی تعاونی در راستای هدفهای کلی توسعه یعنی افزایش تولیدات غذایی و بهبود مشارکت روستاییان در تصمیمگیری درباره جنبه‌های اقتصادی - اجتماعی تولید است. این دو هدف به هم مرتبط هستند و افزایش تولید باید از طریق مشارکت حاصل شود.

در ایران اندیشه معاصر گسترش تعاونیهای تولید ناشی از پاسخگویی به نیاز روزافزون تولید غذا برای جمعیت در حال افزایش و رفع نیازهای کشاورزان از طریق تولید محصولات است. کشاورزی عمدتاً مبتنی بر خرده مالکی ایران همواره خرد شدن اراضی را در پی داشته است و انتظار می‌رود واحدهای تولید در سالهای آینده به دلیل افزایش جمعیت و ناتوانی بخش صنعت و خدمات در جذب نیروی کار روستایی کوچکتر نیز شوند. از بعد نظری تعاونیهای تولید می‌توانند با تجمیع امکانات مورد نیاز اینگونه کشاورزان، توان آنان را به گونه‌ای افزایش دهند که آنها بتوانند تولیدی با بازده بیشتر و هزینه کمتر داشته باشند و از طرفی بتوانند محصولات تولیدی خود را با قیمتی مطلوبتر به فروش برسانند. افزون بر این، انتظار می‌رود که تعاونیهای تولید کشاورزی در ایران بتوانند با ترویج کشاورزی پایدار و فراهم ساختن ابزار آن، جامعه را در دستیابی به کشاورزی پایدار یاری دهند.

هدف از تأسیس تعاونیهای تولید روستایی در ایران، حداکثر کردن بهره‌برداری بهینه از منابع آب و خاک کشور از طریق یکپارچه سازی و یکجاکشتی، تأسیس شبکه‌های پیشرفته آبیاری، تسطیح زمینهای زراعی، احداث راههای ارتباطی بین دهات، آشنا ساختن اعضای شرکت تعاونی با اصول و شیوه‌های جدید زراعی، استفاده صحیح از وسایل و ماشین‌آلات کشاورزی متناسب با شرایط محلی با رعایت نظام تعاون، احیای اراضی بایر و بی‌حاصل و موات واقع در منطقه مورد عمل شرکت، توسعه و بهبود صنایع دستی و تبدیلی فراورده‌های دامی و زراعی و گسترش فعالیتهای مفید غیرکشاورزی بوده است. هدف غذایی از تأسیس چنین شرکتهایی نیز افزایش تولید و رضامندی کشاورزان بوده است.

به دنبال تصویب قانون تعاونی کردن تولید، از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۷ در مجموع ۳۹ شرکت تعاونی تولید روستایی در کل کشور به وجود آمد. اما پس از انقلاب اسلامی، با انحلال ۲۰ واحد از شرکتهای مذکور، تعداد آنها به ۱۹ واحد رسید که از میان آنها سه شرکت متعلق به استان فارس بود (ازکیا، ۱۳۷۸). بعد از توقف چندساله تأسیس تعاونیهای تولید و بی‌توجهی به آنها، دولت متوجه شد بسیاری از دهقانان، که بخش عمده کشاورزی ایران را تشکیل می‌دهند، به علت کوچکی زمینهای زراعی، قادر به تولید مناسب و افزایش تولید نیستند. به همین منظور دولت، که تا سال ۱۳۶۸

توجهی به تعاونیهای تولید روستایی نداشت، خط مشی تأسیس مجدد آنها را در پیش گرفت (لهسایی زاده، ۱۳۷۹). بدین ترتیب پس از آن که نظامهای بهره‌برداري جمعی جدید پیش از انقلاب منحل و یا متحول شدند، شرکتهای تعاونی تولید روستایی بهتر از بقیه توانستند به حیات خود ادامه دهند، به طوری که امروزه بیش از پانصد شرکت تعاونی تولید روستایی با بیش از صد هزار عضو در روستاهای ایران وجود دارد و روز به روز نیز بر تعداد اعضای آنها افزوده می‌شود (عبداللهی، ۱۳۷۷).

تعاونیهای تولید کشاورزی در ایران از جنبه‌های مختلف مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است. یافته‌های این پژوهشها را می‌توان به شرح زیر طبقه‌بندی و خلاصه کرد:

افزایش تولید و درآمد: جدول ۱ نشان می‌دهد که در کل، ۶ مطالعه به بررسی افزایش تولید و درآمد در تعاونیها پرداخته‌اند. از این مطالعات، ۵ مطالعه (منابع پایانی ۵، ۸، ۱۲، ۱۳، ۱۵) حاکی از آن است که تعاونیهای تولید در افزایش درآمد مؤثر بوده‌اند. در حالی که فقط یک مطالعه (منبع پایانی ۴) نشان می‌دهد که تعاونی تولید در منطقه مورد مطالعه (کرمان) در افزایش درآمد نقش نداشته است. در مورد نقش تعاونیهای تولید در افزایش تولید، یافته‌ها تقریباً مشابه یافته‌های مربوط به افزایش درآمد است.

با توجه به همبستگی موجود بین افزایش تولید و افزایش درآمد، این یافته که اغلب مطالعاتی که هر دو متغیر را (درآمد و تولید) مورد سنجش قرار داده‌اند تأثیر نسبتاً مشابهی را بر دو متغیر گزارش کرده‌اند، دور از انتظار نیست.

همان‌طور که در جدول ۱ نشان داده شده است، ۵ مطالعه (نوروزی، ۱۳۵۴؛ نوروزی، ۱۳۵۵؛ نوروزی، ۱۳۵۶؛ سازمان مرکزی تعاون، ۱۳۶۵ و انوشیروانی، ۱۳۷۳) تأثیر تعاونی را در افزایش تولید مثبت ارزیابی کرده‌اند و تنها یک مطالعه (انوشیروانی، ۱۳۶۱) نقش تعاونی را در افزایش تولید بی‌تأثیر ارزیابی نموده است.

تأمین اعتبارات: از مجموع مطالعات مورد بررسی فقط یک مطالعه آن هم در گذشته‌ای نسبتاً دور، یعنی سال ۱۳۵۴، به مسئله تأمین اعتبارات برای کشاورزان پرداخته است. این مطالعه (منبع ۱۵) نشان داد که تعاونی در تأمین اعتبارات برای کشاورزان نقش مثبتی داشته است (جدول ۱). با توجه به اینکه یافته‌های این مطالعه بروز نبوده است و مطالعات اخیر نیز به وضوح یافته‌ای را در این مورد گزارش نکرده‌اند، لذا تشخیص نقش تعاونیهای تولید در تأمین اعتبارات در سالهای اخیر روشن نیست.

تأمین و عرضه بموقع نهاده‌ها: از مطالعات انجام شده در این باره، یک مطالعه (منبع ۱۵) نشان می‌دهد که

تعاونی تولید در تأمین و عرضه نهاده‌های کشاورزی مؤثر نبوده است. اما دو مطالعه دیگر (منابع ۷ و ۶) نقش تعاونی‌های تولید را در تأمین و عرضه نهاده‌های کشاورزی مؤثر ارزیابی کرده‌اند (جدول ۱). شاید دلیل مؤثر بودن نقش تعاونی‌های تولید در عرضه نهاده‌ها این باشد که عمده عرضه نهاده‌ها توسط بخش دولتی صورت می‌گیرد (تأمین و عرضه کود و سم و بذرها اصلاح شده) و مراکز خدمات و شرکت‌های حمایتی در نواحی دارای تعاونی، عرضه نهاده‌ها را به عهده این شرکت‌ها گذاشته‌اند. سایر مطالعات انجام شده یافته‌ای در مورد نقش تعاونی‌ها در زمینه عرضه نهاده‌ها ارائه نکرده‌اند.

خرید محصولات کشاورزی و فروش گروهی: در ایران تنها يك مطالعه (منبع ۱۵) به ارزیابی این موضوع پرداخته است که یافته‌های آن نشان می‌دهد تعاونی در خرید محصولات کشاورزی و فروش گروهی آن مؤثر نبوده است. هر چند سازمان مرکزی تعاون (منبع ۸) در مطالعه خود نقش تعاونی‌های تولید را تضعیف سلف خری مثبت ارزیابی کرده است (جدول ۱).

یکپارچه سازی اراضی و کشت اشتراکی: مرور پیشینه نگاشته‌ها حاکی از این است که تنها يك مطالعه (منبع ۷) به بررسی نقش تعاونی‌ها در کشت اشتراکی پرداخته است که یافته‌های آن نشان می‌دهد نقش تعاونی تولید در ایجاد کشت اشتراکی بی‌تأثیر بوده است (جدول ۱).

• یافته‌های مربوط به تأثیر نقش تعاونیهای تولید در یکپارچه‌سازی متناقض است. سه پژوهش انجام شده (منابع ۳، ۱۱، ۱۲) تأثیر تعاونیها را در یکپارچه‌سازی اراضی مثبت اما دیگر مطالعات جدیدتر (منابع ۶ و ۷) بی‌تأثیر ارزیابی کرده‌اند (جدول ۱). نکته در خور ملاحظه اینکه تعاونیهای قدیمیتر از توجه بیشتر دولت و حمایت همه‌جانبه برخوردار بوده‌اند و به همین دلیل امکان دارد در انجام فعالیتهای پیچیده‌ای مانند یکپارچه‌سازی مؤثرتر عمل کرده باشند. اما تعاونیهایی که بعد از سال ۱۳۷۵ تأسیس شده‌اند ممکن است به دلیل افزایش چشمگیرشان، امکانات محدودتر و حمایت کمتر دریافت کرده باشند و به همین دلیل در اجرای فرایند پیچیده یکپارچه‌سازی ناکارآمدتر بوده باشند.

نشر فنون نوین و مکانیزاسیون: مسئله نشر فنون

نوین توسط تعاونیها در دو مطالعه (منابع ۷ و ۱۱) بررسی شده که هر دوی آنها تأثیر تعاونیها را در این باره مثبت ارزیابی کرده‌اند (جدول ۱). یادآوری می‌شود که یکی از این مطالعات (منبع ۷) نقش تعاونیها را بویژه در نشر روشهای آبیاری بارانی مؤثر دانسته است. از چهار مطالعه‌ای که به بررسی نقش تعاونیهای تولید در مکانیزاسیون پرداخته‌اند سه مطالعه (منابع ۳، ۷، ۱۲) تأثیر تعاونیها را در بهبود مکانیزاسیون مثبت و یک مطالعه (منبع ۶) بی‌تأثیر گزارش (جدول ۱) کرده‌اند. آزادی و کرمی در پژوهشی

به مقایسه کارامدی سه نوع تشکل مکانیزاسیون شامل تعاونیهای تولید، تعاونیهای روستایی و شرکتهای مکانیزاسیون پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تعاونیهای تولید در ایجاد درآمد، افزایش مشارکت کشاورزان در سطح جامعه، ایجاد برابری (از منظر مدیرعامل و کشاورزان)، تأمین رفاه شخصی و به طور کلی از نظر شاخص کلی موفقیت، بهتر از دو تشکل دیگر بوده است.

استفاده بهینه از منابع و افزایش سطح زیر کشت: دو مطالعه (منابع ۷ و ۵) از مجموع پژوهشهای انجام شده در مورد تعاونیهای تولید به این موضوع پرداخته‌اند. در این ارتباط یک مطالعه (منبع ۷) نشان‌دهنده تأثیر مثبت تعاونی در افزایش بهره‌وری از منابع و استفاده بهینه از آنها و دیگری (منبع ۵) گویای عدم تأثیر تعاونیهاست. در مورد نقش تعاونیها در افزایش سطح زیر کشت دو مطالعه (منابع ۴ و ۵) انجام گرفته است که یافته‌های هر دو نشان می‌دهد تعاونیها در این مورد تأثیر نداشته‌اند (جدول ۱). این یافته با توجه به محدودیتهای قانونی و عرفی که برای افزایش سطح زیر کشت در کشور وجود دارد و همچنین اراضی مورد بهره‌برداری جدیدتر کشاورزی که به کشاورزان بدون زمین واگذار می‌شود، منطقی به نظر می‌رسد.

مقایسه عملکرد تعاونیهای تولید با سایر نظامهای بهره‌برداری: عبدالهی در پژوهش خود به مقایسه نظامهای

آثار تعاونیهای تولید کشاورزی در فرایند تولید

۶

۲ مختلف بهره‌برداری در کشور پرداخته است. یافته‌های تحقیق وی نشان می‌دهد که نظام بهره‌برداری تعاونی تولید در مجموع از لحاظ عملکرد بعد از واحدهای تجاری قرار می‌گیرد. این پژوهش همچنین نشان داد که تعاونیهای تولید در زمینه‌های زیر نسبتاً موفق بوده‌اند و در چند زمینه خاص بویژه در بازدهی نیروی کار و سود سرانه و جلب رضایت کشاورزان جایگاهی ممتاز داشته‌اند:

- فنی: حفظ یکپارچگی اراضی به منظور انجام عملیات زیربنایی، بهزراعی و ایجاد زمینه مناسب برای کاربرد صحیح ابزار و ماشین‌آلات و استفاده از روشها و فنون و نهاده‌های کشاورزی.

- زیستمحلی: حفظ منابع و استفاده بهینه از آنها، جلوگیری از اتلاف آب، افزایش بازده آبیاری از طریق بهره‌گیری از روشهای صحیح آبیاری، استفاده مناسب از نهاده‌هایی چون کود و سم و جلوگیری از ضایعات و آلودگی منابع. در مجموع، ارزیابی این مطالعه از مقایسه تعاونیها با سایر نظامهای بهره‌برداری نشان می‌دهد که تعاونی تولید یکی از عوامل اساسی توسعه کشاورزی و به تبع آن توسعه روستایی است (عبداللهی، ۱۳۷۷).

با توجه به سرمایه‌گذاریها و تلاشهای گسترده وزارت جهاد کشاورزی در راه تأسیس و پیشبرد تعاونیهای تولید کشاورزی، هدف کلی این پژوهش مطالعه و بررسی آثار تعاونیهای تولید در فرایند تولید محصولات

کشاورزی و رفع نیازهای کشاورزان در امر تولید محصولات کشاورزی است. در این راستا، پرسش اختصاصی زیر مورد نظر بوده است: تعاونیهای تولید در رفع نیازهای کشاورزان در مراحل قبل از کاشت، داشت، برداشت، پس از برداشت و انجام فعالیتهای ترویجی تا چه حد مؤثر بوده‌اند؟

جدول ۱. نتایج پژوهشهای مرتبط با تعاونیهای تولید کشاورزی در ایران

مکان تحقیق	نتایج حاصل از تحقیقات انجام شده (نقش تعاونیها در امور مختلف)	محقق و سال انجام تحقیق
	در: بی‌تأثیر در: مؤثر	
سطح ملی	افزایش درآمد و تأمین نیازهای فنی و مالی روستاییان	نیازی، ۱۳۵۴
کرمان	افزایش تولید، درآمد کشاورز، احیا و یکپارچه‌سازی اراضی و کاربرد ماشینهای کشاورزی	نوروزی، ۱۳۵۴
نورآباد ممسنی	افزایش درآمد کشاورزان و افزایش تولید در واحد سطح	نوروزی، ۱۳۵۵
بهبهان	افزایش تولید جو و بذرک	نوروزی، ۱۳۵۶
کرمان	بازده در هکتار، افزایش سطح زیر کشت و درآمد کشاورزان	انوشیروانی، ۱۳۶۱
اصفهان	افزایش متوسط درآمد خالص	انوشیروانی، ۱۳۶۴
سطح ملی	کاهش هزینه تولید، افزایش عملکرد، افزایش درآمد، نیازهای کشاورزان و تضعیف سلفخوری	سازمان مرکزی تعاون، ۱۳۶۵
نورآباد ممسنی	تشکیل کار و سرمایه، یکپارچه‌سازی کشت و کاربرد فنون و روشهای جدید	معصومی، ۱۳۶۷
خراسان	پراکندگی اراضی،	انوشیروانی

آثار تعاونیهای تولید کشاورزی در فرایند تولید

۱

۴

	به کارگیری فناوری، کاهش هزینه، افزایش تولید و صنایع وابسته به کشاورزی		و طه ۱۳۷۳
یکپارچه سازی، تبدیل نظام خرده مالکی به اشتراکی و انجام فعالیتهای گروهی	مکانیزاسیون، بهبود روش آبیاری، افزایش بهره وری عوامل تولید، توزیع بذرهاي اصلاح شده و بهبود روش بهره برداری	همدان	روحانی، ۱۳۷۶
	-زمینه اقتصادی (بهره وری، سود سرانه، کاهش هزینه ها، رشد تولید و افزایش درآمد) -زمینه اجتماعی (بهبود زندگی، ارتقای سطح رفاه نسبی، جلب مشارکت، رضایت از کار و زندگی و روابط مناسب اجتماعی) -زمینه فرهنگی (ارتقای سطح آگاهی و رشد شخصیتی) -زمینه فنی (یکپارچه سازی اراضی، بهزرایی و استفاده مناسب از فنون و نهاده های کشاورزی) -زمینه زیستمحیطی (استفاده بهینه از منابع، افزایش بازده آبیاری و جلوگیری از ضایعات و آلودگی منابع)	سطح ملی	عبداللهی، ۱۳۷۷
مکانیزاسیون، یکپارچه سازی، آموزش، ترویج، خدمات و خدمات پس از تولید	توزیع کود و سم	مازندران	درویش نیا، ۱۳۷۹
	افزایش مشارکت روستاییان در جامعه، افزایش برابری و رفاه شغلی	فارس (واحد مکانیزاسیون)	آزادی و کرمی، ۱۳۸۰

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نوع پژوهش ارزشیابی^۱ است. پژوهش ارزشیابی بنا به تعریف شامل فن‌ها، روش‌ها و دستورعمل‌هایی است که جهت ارزیابی آثار نوآوری‌های اجتماعی، آموزشی و پزشکی به کار گرفته می‌شود. اغلب پژوهش‌های ارزشیابی روی برنامه ویژه‌ای متمرکز و طوری طراحی می‌شود تا نشان دهد که آیا برنامه آثار مورد انتظار را ایجاد می‌کند؟ پژوهش‌های ارزشیابی این توانایی را دارد که آثار بیشتری در مقایسه با سایر انواع پژوهش‌ها بر جامعه بگذارد.

منظور از ارزشیابی آثار^۲ این است که به طور کلی مشخص شود آیا برنامه بر افراد، خانوارها و نهادها اثرهای مطلوب بر جا گذاشته است و آیا این اثرها را می‌توان به مداخله‌گری برنامه نسبت داد؟ ارزشیابی آثار همچنین می‌تواند پیامدهای ناخواسته برنامه‌ها را نیز مورد بررسی و مطالعه قرار دهد. جنبه مورد توجه در پژوهش حاضر این است که آیا تعاونی‌های تولید کشاورزی توانسته‌اند در مراحل مختلف فرایند تولید محصولات کشاورزی تأثیر داشته باشند و این تأثیر تا چه حد با نیازهای محسوس کشاورزان هماهنگ بوده است. در نهایت این امر مورد نظر بوده که آیا می‌توان دگرگونی‌هایی در تعاونی‌ها به وجود آورد تا آثار آنها

1. Evaluation research
2. Impact evaluation

آثار تعاونیهای تولید کشاورزی در فرایند تولید

۶ را بهبود بخشید؟ انواع روشهای پژوهشی کمی و کیفی را میتوان در ارزشیابی آثار به کار برد. اما هیچ روشی کاملترین نیست و پژوهشگر این حوزه باید از بین روشها با توجه به شرایط، بهترین روشی را انتخاب کند که دارای حداکثر بازده و کمترین ضعف باشد. در زیر جزئیات روش پژوهش شرح داده میشود:

جمعیت و نمونه

جمعیت مورد مطالعه در این پژوهش از کلیه تعاونیهای تولید روستایی تأسیس شده در سال ۱۳۷۵ یا قبلتر در استانهای فارس و بوشهر تشکیل گردیده که طبق گزارش مدیریت نظامهای بهره‌برداري، در زمان انجام پژوهش فعال بوده‌اند. از آنجا که این پژوهش در پی ارزشیابی عملکرد تعاونیهای تولید روستایی است به نظر می‌رسد باید يك فاصله زمانی بعد از تأسیس در نظر گرفته شود و سپس تعاونی مورد ارزشیابی قرار گیرد. به همین دلیل تعاونیهایی که در سال ۱۳۷۵ و یا قبل از آن تأسیس شده‌اند جهت انجام این پژوهش انتخاب گردیده‌اند. یادآوری می‌شود که براساس اطلاعات موجود، دور جدید تأسیس تعاونیهای تولید روستایی توسط وزارت کشاورزی در سال ۱۳۷۵ به اوج خود رسید و در این سال بیشترین تعداد تعاونی تولید روستایی تأسیس شد.

روش نمونه‌گیری در این مطالعه، از نوع تصادفی طبقه‌بندی^۱ شده است. با توجه به این روش ابتدا منطقه مورد مطالعه به دو طبقه استان بوشهر و فارس تقسیم شد، سپس در هر طبقه اقدام به نمونه‌گیری تصادفی گردید. بدین ترتیب از میان ۱۳ تعاونی موجود در استان بوشهر، ۶ تعاونی انتخاب شد که در نهایت یکی از این تعاونیها به دلیل غیر فعال بودن، حذف گردید. از ۱۶۲ تعاونی موجود در استان فارس نیز ۱۰۲ تعاونی تأسیس شده در سال ۱۳۷۵ و یا پیشتر در فهرستی قرار گرفتند و بعد از کدگذاری با کمک جدول اعداد تصادفی، ۴۷ تای آنها انتخاب گردید. اطلاعات لازم در مورد هر تعاونی قرار گرفته در نمونه توسط پرسشنامه از مدیرعامل جمع‌آوری شد. افزون بر آن از هر تعاونی‌ای که در نمونه قرار گرفت، به طور تصادفی ۵ کشاورز عضو تعاونی انتخاب گردید که از آنان نیز اطلاعات مورد نیاز، با توجه به چارچوب پژوهش در قالب پرسشنامه، جمع‌آوری شد. بنابراین در مجموع، اطلاعات از ۵۲ تعاونی که شامل ۵۲ نفر مدیر عامل و ۲۶۰ نفر کشاورز عضو است، جمع‌آوری گردید. ابزار سنجش در این پژوهش، پرسشنامه است در این رابطه دو نوع پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفته است؛ یکی پرسشنامه مربوط به کشاورزان عضو و دیگری پرسشنامه مربوط به مدیر عامل تعاونی.

1. Stratified random sampling

۸ اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار آماری SPSS/Win مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها و بحث

برای درک بهتر آثار تعاونیها، یافته‌های این پژوهش در شش بخش آثار تعاونیهای تولید در مراحل قبل از کاشت، کاشت، داشت، برداشت، پس از برداشت و خدمات ترویجی در فرایند تولید محصولات کشاورزی بررسی می‌شود.

آثار تعاونیهای تولید در مرحله قبل از کاشت

هر کشاورز در فرایند تولید محصول، قبل از کاشت به فعالیتهایی اقدام می‌کند که بر این فرایند می‌تواند اثرگذار باشد. یکی از اقدامات مورد نیاز در وضعیت کشاورزان خرده‌پای کشور، یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که ۵۳/۵ درصد از کشاورزان نیاز خود به یکپارچه‌سازی را در حد «زیاد» ارزیابی کرده‌اند در حالی که موفقیت تعاونیهای تولید مورد مطالعه در این زمینه اندک بوده به طوری که بیش از ۹۲ درصد از کشاورزان، میزان این موفقیت را در حد «هیچ» ارزیابی کرده‌اند (جدول ۲). آزمون Wilcoxon signed ranks در جدول ۳ نیز نشان‌دهنده این است که تفاوت توزیع رتبه بندی میزان موفقیت تعاونی و توزیع رتبه بندی این نیاز، از نظر آماری معنی‌دار است ($Z = -۱۲/۴$, $sig = ۰,۰۰۰$). نمودار A-۱

نیز نشان می‌دهد که بین میانگین رتبه‌بندی نیاز به یکپارچه سازی اراضی ($\bar{X}=۲/۰۵$) و میانگین رتبه‌بندی موفقیت تعاونی در رفع این نیاز ($\bar{X}=۰/۱۸$) تفاوت چشمگیری وجود دارد.

نیاز به تسطیح اراضی مورد بعدی است که طبق جدول ۲، ۵۸/۵ درصد از کشاورزان آن را در حد «زیاد» ارزیابی کرده‌اند. در مورد رتبه بندی میزان نیاز به تسطیح اراضی و موفقیت تعاونی در انجام این امر نتایج آزمون Wilcoxon signed ranks نشان می‌دهد که فرضیه مشابه بودن توزیع رتبه بندی این دو متغیر مردود است ($z = -۱۳/۱۸$, Sig=0.000). نمودار A-۱ نیز حاکی از تفاوت زیاد بین میانگین نیاز به تسطیح اراضی ($\bar{X}=۲/۲۳$) و میانگین رتبه موفقیت تعاونی در رفع این نیاز ($\bar{X}= ۰/۲۲$) می‌باشد.

مورد دیگر، نیاز به پوشش نهرهاست که براساس جدول ۲، ۵۱ درصد از کشاورزان آن را در حد «زیاد» ارزیابی کرده‌اند در حالی که بیش از ۹۰ درصد از آنها موفقیت تعاونی تولید را در این زمینه هیچ دانسته‌اند. آزمون Wilcoxon signed ranks نیز معنی‌دار بودن این تفاوت را در توزیع رتبه‌بندی نشان می‌دهد، ($z = -۱۲/۱۵$ Sig=0.000) نمودار A-۱ نیز گویای این است که تفاوت میانگین رتبه‌بندی نیاز به پوشش نهرها ($\bar{X}=۱/۹۰$)

آثار تعاونیهای تولید کشاورزی در فرایند تولید

۴

۰ و میانگین رتبه بندی موفقیت تعاونی ($\bar{X}=0/14$)، زیاد است.

ایجاد جاده بین مزارع مورد دیگری است که طبق جدول ۲ بیش از ۷۱ درصد از کشاورزان نیاز به آن را در حد زیاد ارزیابی کرده‌اند در صورتی که ۷۴/۲ درصد از آنان هیچ گونه موفقیتی برای تعاونی در این زمینه قائل نشده‌اند. این تفاوت در توزیع رتبه‌بندی نیاز و موفقیت تعاونی نیز از نظر آماری (آزمون Wilcoxon signed ranks) معنی‌دار است ($\text{Sig}=0.000$, $z = -13/05$). نمودار A-۱ نیز بخوبی تفاوت زیاد بین میانگین رتبه‌بندی این نیاز ($\bar{X}=2/53$) و میانگین رتبه‌بندی موفقیت تعاونی ($\bar{X}=0/49$) را نشان می‌دهد.

تفاوت نیاز به بهبود و افزایش منابع آب (۵۹/۶ درصد) و موفقیت تعاونیها در رفع این نیاز (۹۳/۸ درصد) از نظر کشاورزان بخوبی در جدول ۲ مشهود است، به طوری که از نظر آماری نیز معنی‌دار بودن تفاوت توزیع رتبه‌بندی این نیاز و موفقیت تعاونی آشکارا پیداست ($\text{Sig}=0.000$, $z = -13/23$). در نمودار A-۱ نیز تفاوت میانگین این دو رتبه بندی (۲/۱۷) در مقابل (۰/۰۸) بخوبی دیده می‌شود.

از آنجا که به ایجاد زهکش در تمامی اراضی کشاورزی نیاز نیست لذا تنها ۱۵/۵ درصد کشاورزان این نیاز را در حد «زیاد» ارزیابی کرده‌اند. البته طبق انتظار، بیش از ۹۷ درصد کشاورزان اعلام کرده‌اند که

تعاونیها در این رابطه هیچ موفقیتی نداشته‌اند (جدول ۲). تفاوت توزیع رتبه‌بندی این نیاز و موفقیت تعاونیها نیز از نظر آماری معنی‌دار است (جدول ۳). نمودار A-۱ نیز حاکی از آن است که حداقل اختلاف بین میانگین رتبه نیاز و رتبه موفقیت در بین فعالیتهای قبل از کاشت در مورد این سازه دیده می‌شود.

کشاورزان به دلیل کمبود زمین نسبت به مقدار آبی که در اختیار دارند، نیاز زیادی به بهبود سیستم آبیاری ندارند (۳۶/۷ درصد)، هر چند طبق نظر ۹۲/۹ درصد آنان تعاونیهای تولید هیچ گونه موفقیتی نیز در این زمینه نداشته‌اند (جدول ۲). این تفاوت همچنین در توزیع بین رتبه‌بندی نیاز و موفقیت تعاونی از نظر آماری معنی‌دار است (جدول ۳). نمودار A-۱ نیز بخوبی تفاوت میانگین رتبه‌بندی نیاز ($\bar{X}=1/85$) و میانگین رتبه بندی موفقیت تعاونی ($\bar{X}=0/09$) را در این باره نشان می‌دهد. نیاز به تدوین الگوی کشت توسط ۶۴/۸ درصد کشاورزان در حد «زیاد» ارزیابی شده است در حالی که ۷۵/۹ درصد آنان هیچ موفقیتی برای تعاونی در این خصوص قائل نیستند (جدول ۲). معنی‌دار بودن تفاوت توزیع رتبه‌بندی نیاز و موفقیت تعاونی نیز در جدول ۳ دیده می‌شود به گونه‌ای که نمودار A-۱ نیز بخوبی این تفاوت را نشان می‌دهد (میانگین رتبه‌بندی

آثار تعاونیهای تولید کشاورزی در فرایند تولید

۲

۲ نیاز = ۲/۴۹ و میانگین رتبه‌بندی موفقیت تعاونیهای تولید = ۰/۳۷).

در مورد توسعه سطح زیر کشت نیز ۵۵/۷ درصد کشاورزان نیاز خود را در حد «زیاد» اعلام کرده‌اند در حالی که به نظر ۹۴/۱ درصد از آنان موفقیت تعاونیها در حد «هیچ» بوده است (جدول ۲). این تفاوت توزیع رتبه‌بندی نیز از نظر آماری معنی‌دار است (جدول ۳). نمودار A-۱ نیز به روشنی تفاوت این دو میانگین رتبه‌بندی را نشان می‌دهد.

در این پژوهش عملکرد تعاونیهای تولید در مرحله قبل از کاشت، تابعی دو سازه شامل میزان نیاز به یک فعالیت و میزان موفقیت تعاونی در رفع آن نیاز در نظر گرفته شد. در این راستا از فرمول زیر جهت تعیین عملکرد تعاونیهای تولید در مرحله قبل از کاشت استفاده گردید:

Y_i : عملکرد تعاونی تولید در مرحله قبل از کاشت

$$Y_i = \sum_{i=1}^n X_i Z_i$$

X_i : میزان نیاز به فعالیت‌های مرحله قبل از کاشت

Z_i : میزان موفقیت تعاونی در رفع نیازهای مرحله قبل

از کاشت

برپایه فرمول بالا در صورتی که به فعالیتی نیاز «زیاد» باشد و میزان موفقیت تعاونی در رفع آن نیاز «زیاد» باشد، عملکرد تعاونی بالاست. در صورت کاهش نیاز یا موفقیت در رفع نیاز، عملکرد نیز پایین

خواهد آمد، پایین‌ترین میزان عملکرد زمانی است که در مورد يك فعاليت «هیچ» نیازی وجود نداشته باشد و یا «هیچ» موفقیتی در رفع آن نیاز حاصل نشده باشد. فهرست فعالیت‌های مربوط به این مرحله در جدول ۲ آورده شده است. پس از محاسبه میزان عملکرد هر تعاونی تولید از دید کشاورزان آن تعاونی، متوسط نمرات عملکرد آن تعاونی به عنوان شاخص عملکرد تعاونی در نظر گرفته شد.

نتایج مربوط به این بخش از مطالعه در نمودار ۲ نشان داده شده است. همان‌طور که در این نمودار ملاحظه می‌شود، عملکرد ۶۶ درصد از تعاونی‌های تولید در مرحله قبل از کاشت در حد «۵-۰» برآورد شده است که نشان‌دهنده شدت ضعف این تعاونی‌ها در انجام فعالیت‌های مربوط به این مرحله است. تعاونی‌های دیگر نیز عملکرد بسیار ضعیفی دارند به گونه‌ای که میانگین عملکرد تعاونی‌های تولید در مرحله قبل از کاشت برابر ۵/۸ و انحراف معیار آن ۷/۵۵ است. این میانگین بسیار پایین است زیرا حداکثر نمره‌ای که يك تعاونی در صورت نیاز کامل به همه فعالیت‌ها می‌تواند کسب کند برابر ۱۰۰ می‌باشد. البته این حداکثر به نوعی بیش از حد تخمین زده شده است تا امکان مقایسه فعالیت‌ها در مراحل مختلف وجود داشته باشد.

۴ هر چند پیشینه نگاشته‌های مربوط به تعاونیهای تولید کشاورزی در ایران نشان می‌دهد که این نگاشته‌ها به تمام ابعاد که در این پژوهش به عنوان فعالیت‌های مرحله قبل از کاشت توجه شده است نپرداخته‌اند، اما بعضی از ابعاد آن را مورد نظر قرار داده‌اند. بعضی از یافته‌های این نگاشته‌ها با عملکرد ضعیفی که در این پژوهش برای فعالیت‌های مرحله قبل از کاشت به دست آمد در تضادند. نقش تعاونیهای تولید در احیا و یکپارچه‌سازی اراضی، کاهش پراکندگی، بهبود روش‌های آبیاری و افزایش بازده آبیاری در برخی مطالعات مثبت ارزیابی شده است که از جمله آنها می‌توان به مطالعه نوروبی در کرمان، معصومی در ممسنی، انوشیروانی در خراسان و عبدالمهدی در سطح ملی (مشخصات کتابشناسی همگی این مطالعات در منابع پایانی آورده شده است) اشاره کرد. این در حالی است که پژوهش‌های دیگری نیز وجود دارد که یافته‌های پژوهش حاضر را تأیید می‌کند؛ برای مثال یافته‌های تحقیق روحانی (منبع ۷) در زمینه عدم تأثیر تعاونیهای تولید در یکپارچه‌سازی و تبدیل نظام خرده مالکی به اشتراکی، یافته‌های تحقیق انوشیروانی (منبع ۴) در مورد ناتوانی تعاونیهای تولید کرمان در افزایش سطح زیر کشت و نتایج تحقیق درویشی نیا (منبع

۶) در زمینه ناموفق بودن تعاونیهای تولیدی مازندران در امر یکپارچه‌سازی با یافته‌های پژوهش حاضر در مورد فعالیتهای مرحله قبل از کاشت در استانهای فارس و بوشهر هماهنگ است. اما در همین رابطه نکته قابل ذکر اینکه پژوهشهایی که آثار مثبتی از فعالیتهای مرحله قبل از کاشت را گزارش کرده اند همانهایی هستند که تعاونیهای دارای قدمت زیادتر را مورد مطالعه قرار داده‌اند (نوروزی ۱۳۵۴ و معصومی ۱۳۷۶). چنانکه پیشتر گفته شد، تعاونیهایی که قدمت بیشتری دارند به دلیل اندک بودن تعدادشان مورد توجه و حمایت زیادتری قرار گرفته‌اند و در نتیجه توانسته‌اند به موفقیت بیشتری دست یابند، در حالی که تعاونیهای تازه‌تأسیس به دلیل تعداد زیادشان و حمایت اندک، توفیق کمتری داشته‌اند.

۶ آثار تعاونیهای تولید در مرحله کاشت

جدول ۲ ارزیابی کشاورزان در مورد نیاز به فعالیتهای مختلف مرحله کاشت و همچنین موفقیت تعاونیها را در انجام این فعالیتهای نشان می دهد. براساس اطلاعات این جدول، درصد کشاورزانی که نیاز خود به فعالیتهای مختلف را در حد زیاد اعلام کرده اند به قرار زیر است: رعایت تناوب زراعی ۷۳/۶ درصد، تراکتور جهت تهیه بستر ۸۰/۲ درصد، ردیفکار جهت کاشت ۴۸/۸ درصد، ماشین آلات بذرپاش ۷۱/۸ درصد، ماشین آلات کودپاش ۷۰/۵ درصد، تأمین بذر اصلاح شده ۷۹/۴ درصد و تأمین کود شیمیایی ۹۲/۱ درصد. این در حالی است که ارزیابی آنان از موفقیت تعاونیهای تولید در رفع این نیازها به استثنای تأمین بذر اصلاح شده (۴۱/۳ درصد) و تأمین کود شیمیایی (۳۶/۴ درصد)، در بقیه موارد در سطح پایین است. با اینکه کشت مشترک گروهی از جمله فعالیتهایی است که می تواند علاوه بر تأثیرگذاری بر فرایند تولید، سبب درک بهتر تعاون و مزایای تولید به صورت تعاونی توسط کشاورزان شود، اهمیت آن خوبی توسط آنان درک نشده و تنها ۱۸/۵ درصد، نیاز به این فعالیت را در حد «زیاد» ارزیابی کرده اند، هر چند به نظر ۸۸/۸ درصد از کشاورزان، تعاونیها هیچ گونه موفقیتی در این رابطه نداشته اند. آزمون Wilcoxon signed ranks (جدول ۳) نشان می دهد که تفاوت میانگین رتبه بندی نیاز به کلیه فعالیتهای مرحله کاشت و میانگین رتبه بندی موفقیت تعاونیها در رفع

این نیازها از نظر آماری معنی‌دار است. تفاوت میانگین این دو رتبه‌بندی در نمودار ۱-B نیز بخوبی دیده می‌شود.

عملکرد تعاونی‌های تولید در فعالیتهای مرحله کاشت نیز بر اساس دو سازه میزان نیاز به هر فعالیت و میزان موفقیت تعاونی در رفع این نیاز براساس فرمول ارائه شده در قسمت فعالیتهای قبل از کاشت، محاسبه گردیده و در نمودار ۲ نشان داده شده است. این نمودار نشان می‌دهد که میانگین عملکرد تعاونیها در مرحله کاشت برابر ۶۷/۲۷ است. این میانگین عملکرد هر چند بالا نیست، به مراتب از میانگین عملکرد تعاونیها در فعالیتهای قبل از کاشت بیشتر است. در واقع می‌توان گفت که عملکرد ۸/۳۵ درصد تعاونیها در مرحله کاشت در حد بالاتر از ۳۰ است.

بررسی پیشینه نگاشته‌ها در مورد عملکرد تعاونی‌های تولید در فعالیتهای مرحله کاشت گویای این است که برخی از ابعاد و فعالیتهای مرحله توسط محققان مورد واکاوی قرار گرفته است. برخی از این پژوهشها عبارتند از: تحقیق نوروزی در کرمان مبنی بر مؤثر بودن تعاونی‌های تولید در کاربرد ماشینهای کشاورزی؛ تحقیق درویشی نیا و آزادی و کرمی دال بر تأثیر مثبت تعاونیها بر توزیع کود و سم در مازندران و فارس و در عین حال بی‌تأثیر بودن عملکرد آنها بر

۸ مکانیزاسیون؛ مطالعه نیازی مبنی بر عدم تأثیر تعاونیها بر عرضه بموقع نهادهها و خدمات؛ پژوهشهای نوروبی در کرمان، انوشیروانی و طه در خراسان، روحانی در همدان و عبداللهی در سطح ملی دال بر تأثیر تعاونیها بر مکانیزاسیون؛ پژوهش روحانی در استان همدان مبنی بر عدم تأثیر تعاونیها بر کشت اشتراکی و در عین حال تأثیر مثبت تعاونیها بر رواج بذر اصلاح شده.

آثار تعاونیهای تولید در مرحله داشت

ارزیابی کشاورزان در مورد نیاز به فعالیتهای مرحله داشت و همچنین موفقیت تعاونیها در رفع این نیازها در جدول ۲ آورده شده است. براساس این جدول، در مورد علفکش برای مبارزه با علفهای هرز ۶۷/۷ درصد و در مورد مبارزه شیمیایی با آفتها و بیماری نیز ۶۸/۵ درصد کشاورزان نیاز خود را «زیاد» اعلام کرده اند، اما ارزیابی آنها در زمینه رفع این نیازها توسط تعاونیها در حد «زیاد» به ترتیب ۴۰/۵ و ۳۹/۵ درصد است. همچنین در مورد کولتیواتر برای مبارزه با علفهای هرز، ۲۷/۹ درصد و در زمینه مبارزه بیولوژیک با آفتها و بیماریها نیز تنها ۵/۰ درصد نیاز خود را در حد «زیاد» بیان کرده اند در حالی که به ترتیب ۹۳/۸ و ۹۹/۲ درصد از آنان هیچ گونه توفیقی برای تعاونیها در رفع این دو نیاز قائل نشده اند. محاسبه آزمون Wilcoxon signed ranks (جدول ۳) در زمینه موارد فوق،

معنیدار بودن تفاوت بین دو رتبه‌بندی نیاز به فعالیت‌های مرحله داشت و موفقیت تعاونیها در رفع آنها را نشان می‌دهد. نمودار ۱-C نیز بخوبی تفاوت بین میانگین این دو رتبه را نمایان می‌سازد.

عملکرد تعاونیهای تولید در فعالیت‌های مرحله داشت در نمودار ۲ نشان داده شده است. براساس این نمودار، عملکرد ۱۱/۳ درصد از تعاونیهای تولید در مورد فعالیت‌های مرحله داشت در حد ۵-۰ و ۴۱/۵ درصد بالاتر از ۳۰ است. این موضوع عملکرد نسبتاً متوسط تعاونیها را در مورد فعالیت‌های مرحله داشت نمایان می‌سازد. توجه به میانگین عملکرد تعاونیها در فعالیت‌های مراحل مختلف تولید نشان می‌دهد که این عملکرد در فعالیت‌های مرحله داشت بیشترین میانگین را دارد ($\bar{X} = 28/1$) که انحراف معیار آن نیز برابر ۱۲/۴۹ است. البته در مقایسه با حداکثر طیف مقیاس (عدد ۱۰۰) این مقدار مبین عملکرد ضعیف تعاونیها در زمینه فعالیت‌های مرحله داشت است. بررسی پیشینه نگاشته‌ها نشان می‌دهد که فعالیت‌های مرحله داشت توسط محققان مورد توجه و تحقیق قرار نگرفته است.

آثار تعاونیهای تولید در مرحله برداشت

نیاز کشاورزان به فعالیت‌های مرحله برداشت نیز به استثنای یک مورد (خرمنکوب برای برداشت محصول) زیاد بوده، در حالی که توفیق تعاونیها در رفع این

۰ نیازها بسیار اندک ارزیابی شده است. براساس جدول ۲، به ترتیب ۹۴/۶، ۷۷/۰، ۸۸/۸ درصد از کشاورزان نیاز خود را به کمباین جهت برداشت گندم، کمباین برای برداشت محصولات صیفی و همچنین وسیله حمل و نقل جهت حمل محصول از مزرعه به روستا در حد «زیاد» ارزیابی کرده اند در حالی که به ترتیب ۸۵/۴، ۹۴/۳ و ۸۹/۲ درصد از آنها هیچ گونه توفیقی برای تعاونیها در رفع این ۳ نیاز قائل نشده اند. همچنین ۵۷/۱ درصد از کشاورزان بیان کرده اند که «هیچ» نیازی به خرمنکوب برای برداشت محصول ندارند، اما ۹۱/۱ درصد آنان معتقدند که تعاونیها هیچ کاری در این خصوص برای آنان انجام نداده اند. تفاوت میانگین رتبه بندی های نیاز و موفقیت تعاونیها در کلیه فعالیت های مرحله برداشت از نظر آماری معنی دار است (جدول ۳). این امر بخوبی در نمودار D-۱ دیده می شود.

بررسی عملکرد تعاونیهای تولید در مورد فعالیت های مرحله برداشت حاکی از عملکرد بسیار ضعیف آنهاست، به طوری که بر مبنای نمودار ۲، عملکرد ۷۹/۲، ۳/۸ و ۳/۸ درصد از تعاونیهای تولید به ترتیب در حد «۰-۵»، «۵-۱۰» و «۱۵-۲۰» است. توجه به میانگین عملکرد تعاونیها در زمینه فعالیت های مرحله برداشت نشان دهنده عملکرد بسیار ضعیف آنهاست ($\bar{X} = 7/3$).

در پیشینه نگاشته ها عملکرد تعاونیهای تولید در فعالیت های مرحله برداشت به طور مشخص مورد توجه

قرار نگرفته است، اما مطالعه نوروژی، روحانی، انوشیروانی و طه نشاندهنده تأثیر تعاونیها در مکانیزاسیون است که احتمالاً کاربرد ماشینهای کشاورزی در مرحله برداشت را نیز دربرمیگیرد. در عین حال مطالعه آزادی و کرمی و درویشی نیا حاکی از تأثیر محدود تعاونیها در مکانیزاسیون کشاورزی است.

آثار تعاونیهای تولید در مرحله پس از برداشت

بر اساس جدول ۲، نیاز کشاورزان به فعالیتهای پس از برداشت متفاوت است به طوری که به ترتیب ۹۱/۱، ۸۶/۵ و ۵۰/۴ درصد کشاورزان نیاز به بازاریابی محصولات، انبار برای نگهداری محصولات و عرضه بموقع محصولات و صنایع تبدیلی برای محصولات را در حد «زیاد» ارزیابی کرده‌اند در صورتی که به ترتیب ۴۸/۱، ۳۸/۱ و ۳۷/۳ درصد از آنان نیاز به فروش گروهی محصولات توسط تعاونی، بسته‌بندی محصولات و سردخانه را در حد «زیاد» اعلام کرده‌اند. بر مبنای این جدول، بیشتر کشاورزان موفقیت تعاونیها را دربرآورده کردن کلیه فعالیتهای فوق در حد «هیچ» ارزیابی کرده‌اند. نتایج آزمون Wilcoxon signed ranks (جدول ۳) نشان می‌دهد که تفاوت بین میانگین رتبه‌بندی نیاز به فعالیتهای پس از برداشت و رتبه‌بندی موفقیت تعاونیها در رفع این نیازها در کلیه موارد، از نظر آماری معنی‌دار است. این امر بخوبی در نمودار ۱-E دیده می‌شود.

آثار تعاونیهای تولید کشاورزی در فرایند تولید

۳

۲ عملکرد تعاونیهای تولید در زمینه فعالیتهای پس از برداشت در نمودار ۲ نشان داده شده است. بر پایه این نمودار، عملکرد تعاونیها بسیار ضعیف است به طوری که عملکرد ۷۵/۵ درصد و ۱۱/۳ درصد از تعاونیهای تولید به ترتیب در حد «۰-۵» و «۵-۱۰» است. توجه به میانگین عملکرد تعاونیهای تولید در فعالیتهای پس از برداشت نیز نشان میدهد که این میانگین بسیار کم ($\bar{X}=3/8$) و انحراف معیار آن برابر ۷/۰ است.

بررسی پیشینه نگاشته‌ها مطالبی در مورد بررسی تأثیر مثبت تعاونیها در فعالیتهای پس از برداشت به دست نمیدهد، در حالی که پژوهش درویشی نیا نشان میدهد عملکرد تعاونیها در مورد خدمات پس از تولید بی‌تأثیر بوده است.

آثار تعاونیهای تولید در خدمات ترویجی

جدول ۲ نمایان می‌سازد که کشاورزان به خدمات مختلف ترویجی نیاز زیادی دارند. چنانکه از جدول ۲ پیداست، در مورد ۹ فعالیت مختلف ترویجی، ۶۳ تا ۷۴ درصد کشاورزان نیاز خود را «زیاد» ارزیابی کرده‌اند که این امر مبین اهمیت در خور توجه خدمات ترویجی برای کشاورزان است. اما به استثنای موارد آموزش استفاده بهینه از کود شیمیایی (۱۳/۱ درصد)، آموزش و ترویج استفاده از بذرهای اصلاح شده (۱۸/۵ درصد) و آموزش و ترویج کاهش مصرف سمها (۱۵/۴ درصد)، کمتر از ۱۰ درصد کشاورزان موفقیت تعاونیهای تولید را در انجام دیگر

خدمات ترویجی «زیاد» توصیف کرده‌اند. نتایج آزمون Wilcoxon signed ranks (جدول ۳) نشان می‌دهد که تفاوت بین میانگین رتبه‌بندی نیاز به خدمات ترویجی و میانگین رتبه‌بندی موفقیت تعاونیها در رفع این نیازها، از نظر آماری معنی‌دار است. این تفاوت میانگین بخوبی در نمودار F-۱ دیده می‌شود. عملکرد تعاونیهای تولید در مورد خدمات ترویجی در نمودار ۲ دیده می‌شود. بر مبنای این نمودار، عملکرد ۱۸/۹، ۳/۸، ۱۱/۳ و ۳۵/۸ درصد تعاونیهای تولید به ترتیب در حد ۰-۵، ۵-۱۰، ۱۰-۲۵ و بالاتر از ۳۰ است. میانگین عملکرد تعاونیهای تولید در ارائه خدمات ترویجی نیز ۲۵/۴ و انحراف معیار آن ۱۸/۴ است. مطالعات بسیار اندکی در مورد نقش تعاونیها در خدمات ترویجی صورت گرفته است. در این باره مطالعه درویشی نیا نشان‌دهنده این است که نقش تعاونیها در آموزش ترویج خدمات بی‌تأثیر بوده است.

جدول ۲. ارزیابی کشاورزان در مورد نیاز به

فعالیت‌های مختلف و موفقیت تعاونیها در رفع نیازها

میزان نیاز (درصد)				میزان موفقیت تعاونی (درصد)				نیازهای مرحله قبل از کاشت:
زیاد	کم	هیچ	متوسط	زیاد	کم	متوسط	زیاد	
۳/۹	۲/۳	۱/۵	۹۲/۳	۵۳/۵	۱۷/۱	۱۰/۵	۱۹/۰	یکپارچه‌سازی اراضی
۱/۵	۶/۹	۳/۵	۸۸/۱	۵۸/۵	۱۷/۳	۱۳/۱	۱۱/۲	تسطیح اراضی
۰/۸	۳/۵	۴/۶	۹۱/۱	۵۱/۰	۱۴/۳	۸/۹	۲۵/۹	پوشش نهرها
۳/۹	۱۵/۲	۶/۶	۷۴/۲	۷۱/۸	۱۶/۲	۵/۴	۶/۶	ایجاد جاده بین مزارع
۰/۴	۱/۵	۴/۲	۹۳/۸	۵۹/۶	۱۵/۰	۸/۵	۱۶/۹	بهبود و افزایش منابع آب
۰/۸	۱/۵	۰/۴	۹۷/۳	۱۵/۵	۱۰/۹	۱۴/۷	۵۸/۹	زهکشی اراضی
۰/۴	۱/۶	۵/۱	۹۲/۹	۲۶/۷	۳۱/۶	۱۱/۷	۱۹/۹	سیستم آبیاری
۱/۶	۹/۹	۱۲/۶	۷۵/۹	۶۴/۸	۲۳/۴	۸/۲	۳/۷	تدوین الگوی کشت
۰/۸	۲/۰	۳/۱	۹۴/۱	۵۵/۷	۲۳/۹	۹/۰	۱۱/۴	توسعه سطح زیر کشت

آثار تعاونیهای تولید کشاورزی در فرایند تولید

۳

۴

نیازهای مرحله کاشت:				نیازهای مرحله داشت:			
۳/۲	۸/۴	۷/۲	۸۱/۳	۷۳/۶	۱۸/۹	۴/۷	۲/۸
۱۱/۱	۱۴/۳	۳/۲	۷۱/۴	۸۰/۲	۴/۷	۲/۳	۱۲/۸
۴۱/۳	۱۸/۷	۱۱/۱	۲۹/۰	۷۹/۴	۳/۵	۴/۷	۱۲/۵
۳۶/۴	۳۷/۷	۲۱/۱	۴/۹	۹۲/۱	۷/۱	۰/۸	۰
۲/۳	۳/۱	۵/۸	۸۸/۸	۱۸/۵	۸/۱	۲۰/۱	۵۳/۳
۱۳/۱	۶/۵	۲/۷	۷۷/۷	۴۸/۸	۱۲/۸	۶/۶	۳۱/۸
۱۴/۳	۷/۷	۳/۱	۷۴/۹	۷۱/۸	۸/۵	۳/۹	۱۵/۸
۱۲/۸	۵/۴	۳/۵	۷۸/۳	۷۰/۵	۸/۱	۲/۷	۱۸/۶
۱/۹	۲/۳	۱/۹	۹۳/۸	۲۷/۹	۱۶/۷	۱۴/۰	۴۱/۵
۴۰/۵	۲۴/۱	۱۴/۸	۲۰/۶	۶۷/۷	۱۱/۲	۸/۱	۳۱/۱
۰/۴	۰/۴	۰	۹۹/۲	۵/۰	۳/۶	۵/۹	۸۵/۵
۳۹/۵	۲۳/۴	۱۲/۹	۲۴/۲	۶۸/۵	۱۱/۷	۵/۴	۱۴/۴

ادامه جدول ۲

میزان موفقیت تعاونی (درصد)				میزان نیاز (درصد)				نیازهای مرحله
زیاد	کم	هیچ	متوسط	زیاد	کم	متوسط	قبل از کاشت:	
۶/۹	۳/۱	۴/۶	۸۵/۴	۹۴/۶	۰/۸	۰/۴	۴/۳	نیازهای مرحله قبل از کاشت:
۳/۳	۰	۲/۴	۹۴/۳	۷۷/۰	۰/۸	۰/۴	۲۱/۷	کمباین جهت برداشت گندم
۴/۶	۲/۷	۱/۵	۹۱/۱	۲۳/۲	۱۱/۶	۸/۱	۵۷/۱	کمباین جهت برداشت محصولات صیفی
۳/۵	۵/۰	۲/۳	۸۹/۲	۸۸/۸	۴/۳	۲/۳	۴/۷	خرمنکوب برای برداشت محصول
								وسيله حمل و نقل جهت حمل محصول از مزرعه به روستا
۰	۰	۰/۴	۹۹/۶	۳۸/۱	۱۸/۱	۱۰/۴	۳۳/۵	نیازهای مرحله پس از برداشت:
۳/۵	۶/۵	۵/۸	۸۴/۲	۸۶/۵	۵/۸	۱/۹	۵/۸	بسته بندی محصولات
۰	۰	۰	۱۰۰	۳۷/۳	۱۲/۳	۱۰/۰	۴۰/۴	انبار جهت نگهداری و عرضه بموقع محصولات
۱/۵	۰	۰/۴	۹۸/۱	۵۰/۴	۲۰/۴	۱۰/۴	۱۸/۸	سردخانه جهت نگهداری و عرضه بموقع محصولات
۱/۹	۷/۳	۵/۰	۸۵/۷	۹۱/۱	۴/۷	۲/۳	۱/۹	صنایع تبدیلی جهت محصولات کشاورزی
								بازاریابی محصولات

اقتصادکشاورزی و توسعه، ویژهنامه بهره‌وری و کارایی، زمستان ۳۵
۱۳۸۴

۳/۱	۴/۲	۴/۲	۸۸/۵	۴۸/۱	۳/۸	۱۴/۲	۳۳/۸	فروش گروهی محصولات توسط تعاونی
۹/۷	۲۸/۶	۱۶/۲	۴۵/۶	۷۳/۳	۱۸/۲	۷/۰	۱/۶	نیازهای خدمات ترویجی: آموزش مزایای تعاون و تولید تعاونی
۱۳/۱	۲۶/۲	۱۸/۵	۴۲/۳	۷۴/۱	۱۶/۲	۶/۶	۳/۱	آموزش استفاده بهینه از کود شیمیایی
۱۸/۵	۲۱/۵	۱۶/۵	۴۳/۵	۷۱/۸	۱۷/۴	۸/۵	۲/۳	آموزش و ترویج استفاده از بذرهایی اصلاح شده
۱۵/۴	۲۳/۵	۱۸/۵	۴۲/۷	۷۴/۹	۱۵/۸	۶/۶	۲/۷	آموزش و ترویج کاهش مصرف سمها
۴/۶	۲۰/۸	۱۴/۷	۵۹/۸	۶۳/۱	۱۶/۵	۱۳/۱	۷/۳	آموزش و ترویج یکجاکشی
۷/۳	۱۹/۷	۱۶/۲	۵۶/۸	۷۱/۹	۱۶/۹	۸/۱	۳/۱	آموزش و ترویج کاهش ضایعات در برداشت محصولات
۴/۶	۱۹/۳	۲۰/۵	۵۵/۶	۶۷/۳	۲۰/۴	۹/۶	۲/۷	آموزش و ترویج توسعه پایدار و حفظ محیط زیست
۴/۶	۶/۲	۱۴/۶	۷۴/۶	۶۷/۷	۱۹/۲	۹/۲	۳/۸	ایجاد مزارع نمایشی
۳/۱	۱۰/۱	۱۳/۲	۷۳/۶	۶۳/۵	۲۱/۵	۹/۶	۵/۴	ارتباط‌بامراکز تحقیقات کشاورزی

جدول ۳. نتایج آزمون Wilcoxon signed ranks

در مورد رتبه‌بندی نیاز و موفقیت تعاونیهای تولید

کشاورزی در زمینه فعالیت‌های مختلف

Z		Sig	Z	
	<u>برداشت</u>			<u>قبل از کاشت</u>
-۱۴/۴۹	-کمباین برای برداشت گندم	۰/۰۰۰	-۱۲/۴۰	- یکپارچه سازی
-۱۳/۱۵	-کمباین برای برداشت صیفی	۰/۰۰۰	-۱۳/۱۸	-تسطیح اراضی
-۸/۲۴	-خرمنکوب	۰/۰۰۰	-۱۲/۱۵	-پوشش نهرها
-۱۴/۴۹	-وسیله حمل و نقل محصول	۰/۰۰۰	-۱۳/۰۵	-ایجاد جاده بین مزارع

آثار تعاونیهای تولید کشاورزی در فرایند تولید

۳

۶

				-بهبود و افزایش منابع آب
-۱۱/۷۱	-بسته بندی محصولات	۰/۰۰۰	-۱۳/۲۳	-زهکشی اراضی
-۱۴/۰۶	-انبار نگهداری محصولات	۰/۰۰۰	-۸/۷۸	-بهبود سیستم آبیاری
-۱۱/۱۶	-سردخانه	۰/۰۰۰	-۱۲/۲۸	-تدوین الگوی کشت
-۱۲/۸۵	-صنایع تبدیلی	۰/۰۰۰	-۱۳/۲	-توسعه سطح زیر کشت
-۱۴/۶۷	-بازاریابی محصولات			کاشت
-۱۰/۹۹	-فروش گروهی محصولات	۰/۰۰۰	-۱۳/۳۹	-رعایت تناوب زراعی
	خدمات ترویجی	۰/۰۰۰	-۱۲/۳۹	-تراکتور جهت تهیه بستر
-۱۲/۴۷	-آموزش مزایای تعاون و تولید	۰/۰۰۰	-۷/۸۷	-تأمین بذر اصلاح شده
-۱۲/۲۸	تعاونی	۰/۰۰۰	-۱۰/۵۴	-تأمین کود شیمیایی
-۱۱/۶۶	-آموزش استفاده بهینه از کود	۰/۰۰۰	-۹/۰۲	-کشت مشترک گروهی
	شیمیایی	۰/۰۰۰	-۱۰/۳۷	-ردیفکار جهت کاشت
-۱۲/۲۰	-	۰/۰۰۰	-۱۲/۰۲	-ماشین آلات بذر پاش
-۱۲/۳۹	آموزش و ترویج استفاده از بذر اصلاح	۰/۰۰۰	-۱۲/۰۸	- ماشین آلات کود پاش
-۱۲/۷۹	شده			داشت
-۱۲/۹۵	-آموزش و ترویج کاهش مصرف	۰/۰۰۰	-۱۰/۶	-استفاده از کولتیواتر
	سموم	۰/۰۰۰	-۶/۰۵	-استفاده از علفکش
-۱۳/۴۸	-آموزش و ترویج یکجا کشتی	۰/۰۰۰	-۵/۰۱	- مبارزه بیولوژیک با
-۱۳/۱۲	-آموزش و ترویج کاهش ضایعات			آفتها و بیماریها
	در برداشت	۰/۰۰۰	-۶/۳۴	-
	-آموزش و ترویج توسعه پایدار			مبارزه شیمیایی با آفتها و بیماریها
	و حفظ محیط زیست			
	- ایجاد مزارع نمایشی			
	-ارتباط با مراکز تحقیقات			
	کشاورزی			

آثار تعاونیهای تولید کشاورزی در فرایند تولید

۳

۸ نمودار ۱. میانگین رتبه‌بندی نیاز به فعالیتهای مختلف و

موفقیت تعاونیهای تولید در رفع این نیازها

A: قبل از کاشت، B: کاشت، C: داشت، D: برداشت، E:

پس از برداشت، F: خدمات ترویجی

نمودار ۲. توزیع عملکرد تعاونیهای تولید در فرایند تولید نتیجه‌گیری و پیشنهاد

نظام تولید غذایی کشور در پاسخ به نیاز روزافزون به غذا برای جمعیت در حال افزایش باید دگرگونیهای اساسی در خود به وجود آورد. هر چند سیاستهای مشخصی برای ایجاد دگرگونیها در برنامه‌های کشاورزی کشور تدوین نشده است، شواهدی از فعالیتهای مختلف برای ایجاد این دگرگونی مشاهده می‌شود. تأسیس تعاونیهای تولید از حدود دو دهه پیش به عنوان الگویی برای تأثیرگذاری در فرایند تولید کشاورزی کشور مدنظر بوده، هر چند سابقه آنها در کشور از این بیشتر است. نتیجه‌گیری حاصل از پژوهش حاضر را می‌توان به صورت پاسخی به پرسشهای مطرح در مطالعه خلاصه کرد:

درکل تأثیر تعاونیهای تولید در عملیات مراحل مختلف تولید محصولات کشاورزی چگونه است؟

عملکرد تعاونیهای تولید در رفع نیازهای کشاورزان در مجموع ضعیف ارزیابی شد. شاخص کلی عملکرد، که حاصل جمع عملکرد تعاونیهای تولید کشاورزی در مراحل پیش از کاشت، کاشت، داشت، برداشت، پس از

• برداشت و انجام فعالیتهای ترویج بود، نشان داد که تعاونیها در مجموع عملکردی ضعیف دارند. هر چند بین تعاونیهای مختلف از نظر این شاخص تفاوتی نیز وجود دارد، پراکنش داده‌ها حاکی از تفاوت بین تعاونیها از نظر عملکرد در مراحل مختلف تولید است. بررسی میانگین عملکرد تعاونیها در مراحل مختلف تولید نشان می‌دهد که این میانگین در فعالیتهای پس از برداشت، کمترین است و پس از آن، فعالیتهای قبل از کاشت قرار دارد. این در حالی است که عملکرد تعاونیها در فعالیتهای مراحل داشت و کاشت بیش از دیگر مراحل است. نتیجه یافته‌های این پژوهش در مورد آثار تعاونیهای تولید بر مراحل مختلف فرایند تولید محصولات کشاورزی به شرح زیر است:

مرحله قبل از کاشت: به جز زهکشی، نیاز کشاورزان

به انجام فعالیت در زمینه‌های مختلف مربوط به این مرحله شامل یکپارچه‌سازی اراضی، تسطیح اراضی، پوشش نهرها، ایجاد جاده بین مزارع، افزایش منابع آب، بهبود سیستم آبیاری، تدوین الگوی کشت و توسعه سطح زیر کشت نسبتاً زیاد است. اما تعاونیها در رفع این نیازها چندان موفق نبوده‌اند. شاخص کلی عملکرد تعاونیهای تولید در این مرحله در کل نشان می‌دهد که عملکرد تعاونیهای تولید بسیار ضعیف است. با توجه به نیاز نسبتاً بالای کشاورزان به انجام فعالیتهای این مرحله ضروری است که تعاونیهای تولید این مهم

را مورد توجه قرار دهند و در راه رفع آن تلاش بیشتری نمایند. باید گفت که عمده فعالیت‌های مربوط به مرحله پیش از کاشت جزو سازه‌های ساختاری محدود کننده توسعه کشاورزی است و در صورتی که در زمینه رفع این محدودیت گام‌هایی توسط تعاونی‌ها برداشته شود می‌تواند در توسعه کشاورزی مؤثر واقع گردد.

مرحله کاشت: بیشترین فعالیت مورد نیاز کشاورزان در این مرحله، تأمین کودهای شیمیایی است. تعاونی‌های تولید نیز در تأمین این نهاده بیشترین توفیق را داشته‌اند. تأمین بذرهای اصلاح شده نیز در رتبه بعدی نیاز کشاورزان قرار دارد ولی موفقیت تعاونی‌ها در رفع این نیاز در حدی پایین‌تر از تأمین کود شیمیایی جای دارد. در کل می‌توان نتیجه گرفت که تعاونی‌های تولید در فعالیت‌های مربوط به این مرحله که جنبه بازرگانی (عرضه نهاده) دارند موفق‌ترند تا انجام فعالیت‌هایی نظیر کشت گروهی و رعایت تناوب. یکی از دلایل عمده تشکیل تعاونی‌ها، گسترش کشت گروهی توسط کشاورزان است، اما تعاونی‌ها در این مورد کمترین توفیق و اثر را داشته‌اند. قابل توجه است که کشاورزان نیز اهمیت کشت گروهی را درک نکرده و کمترین نیاز خود را در فعالیت‌های مربوط به این مرحله، کشت گروهی اعلام کرده‌اند. فعالیت‌های ترویجی تعاونی‌ها برای نشر اندیشه کشت مشترک باید زمینه‌ساز درک اهمیت

۲ و ایجاد نیاز به این فعالیت در بین کشاورزان باشد و سپس اقدامات تعاونیها در این باره گسترش یابد. از دیگر فعالیتهای مورد نیاز کشاورزان در این مرحله رعایت تناوب، تأمین ردیفکار، ماشینآلات بذرپاش و کودپاش است که تعاونیهای تولید در رفع این نیازها توفیق چندانی نداشته اند.

در کل، عملکرد تعاونیهای تولید در مرحله کاشت، به رغم اینکه از عملکرد آنها در مرحله قبل از کاشت مطلوبتر است، باز هم نسبتاً ضعیف ارزیابی میشود. در این مرحله در فعالیتهای عرضه نهاده‌ها، تعاونیها نسبتاً موفق هستند اما پیشنهاد میشود که بر فعالیتهایی مانند کشت مشترک و گروهی تأکید بیشتری کنند و با یکپارچه‌سازی اراضی، موانع آن را برطرف سازند تا این فعالیت که از دلایل مهم تشکیل تعاونیهای تولید است به نحو مطلوبتری صورت گیرد.

مرحله داشت: توجه به فعالیتهای مختلف مرحله داشت

نشان میدهد که کشاورزان نیاز زیادی به علفکش و مبارزه شیمیایی با آفتها و بیماریها دارند در حالی که نیاز آنان به کولتیواتر برای مبارزه با علفهای هرز کم است و جهت مبارزه بیولوژیک با آفتها و بیماریها بسیار کمتر در واقع میتواند دریافت که کشاورزان اهمیت این دو فعالیت را که نقش مهمی در پایداری کشاورزی دارند، بخوبی درک نکرده اند و لذا نیاز زیادی به آن فعالیتهای احساس نمیکند. موفقیت

عملکرد تعاونیها در این دو فعالیت نیز در حد هیچ است، هر چند تعاونیها در عرضه علفکش و مبارزه شیمیایی با آفتها و بیماریها تا حدودی موفق بوده‌اند به طوری که عملکرد کلی تعاونیها در مورد فعالیتهای مرحله داشت بیش از عملکردشان در مورد دیگر مراحل است، لذا پیشنهاد می‌شود تعاونیها علاوه بر عرضه علفکش، که جنبه بازرگانی و عرضه نهاده دارد، در مبارزه بیولوژیک با آفتها و بیماریها نیز گامهای مؤثری بردارند. این امر سبب کاهش مصرف علفکشاها و آلودگیهای متعاقب آن می‌شود و نهایتاً در پایداری نظام کشاورزی و حفظ محیط زیست تأثیر چشمگیری دارد.

مرحله برداشت: یافته‌های این پژوهش نشان داد که به جز خرمنکوب، کشاورزان نیاز زیادی به فعالیتهای برداشت از جمله کمباین برای برداشت گندم و صیفی و همچنین وسیله نقلیه جهت حمل محصول به روستا دارند. اما همان گونه که در قسمتهای قبلی پژوهش عنوان شد، موفقیت تعاونیها در انجام فعالیتهای مرحله برداشت در کل بسیار اندک است. بررسی عملکرد کلی تعاونیها در این باره حکایت از عملکرد بسیار پایین آنها دارد. در واقع باید گفت که انجام فعالیتهای برداشت از قبیل استفاده از کمباین و دسترسی کشاورزان به وسایل نقلیه برای حمل محصولات سبب کاهش ضایعات و دسترسی

آثار تعاونیهای تولید کشاورزی در فرایند تولید

۴

۴ سریعتر به بازار محصول می شود. لذا تعاونیهای تولید باید در انجام این فعالیتهای تلاش بیشتری از خود نشان دهند.

مرحله پس از برداشت: بررسی نیاز کشاورزان به فعالیتهای مختلف پس از برداشت نشان می دهد که کشاورزان نیاز زیادی به این فعالیتهای دارند. البته کشاورزان به دلیل نوع محصولاتشان، نیاز متوسطی به بسته بندی و سردخانه دارند، در صورتی که فعالیتهایی مانند بازاریابی، انبار و صنایع تبدیلی مورد نیاز شدید آنان است. به هر حال موفقیت تعاونیهای تولید در انجام فعالیتهای این مرحله در حد هیچ یا بسیار اندک قرار دارد به طوری که میانگین عملکرد کلی تعاونیها در مورد فعالیتهای پس از برداشت در بین کلیه مراحل، کمترین است. از آنجا که انجام فعالیتهای پس از برداشت باعث بالا رفتن درآمد کشاورزان و اشتغالزایی برای روستاییان می شود و همچنین توان آنان را در فروش محصولات می افزاید، پیشنهاد می گردد تعاونیهای تولید توجه جدی به این فعالیتهای کنند و از طریق احداث انبار برای نگهداری محصولات، راه اندازی صنایع تبدیلی و بسته بندی محصولات و همچنین مشارکت در بازاریابی محصولات کشاورزی، کمک شایانی به فراوری محصولات کشاورزی و وضعیت روستاییان کنند.

خدمات ترویجی: کشاورزان عضو تعاونیهای تولید، نیاز زیادی به کلیه آموزشها و خدمات ترویجی دارند.

در واقع یکی از اصول اساسی تعاونیها نیز آموزش است. اما موفقیت تعاونیها به جز در مورد آموزش و ترویج بذرهاي اصلاح شده کم است، در بقیه موارد در حد بسیار اندک می‌باشد. همان طور که در بخشهای پیشین پژوهش گفته شد، عملکرد تعاونیها در مورد خدمات و آموزشهای ترویجی کم است. با توجه به نقش و اهمیت آموزشها و خدمات ترویجی، پیشنهاد می‌شود تعاونیهای تولید اهمیت این آموزشها را درک و به انجام آنها مبادرت کنند. آموزش مزایای تعاون، آموزش و ترویج توسعه پایدار و حفظ محیط زیست، آموزش استفاده بهینه از کودها و سمهای شیمیایی و همچنین آموزش یکجا کشتی بویژه می‌توانند نقش بسیار مهمی در فرایند تولید محصولات کشاورزی ایفا نمایند.

منابع

۱. آزادی، حسین و عزت الله کرمی (۱۳۸۰)، مقایسه واحد مکانیزاسیون تعاونیهای روستایی: تعاونیهای تولید و شرکتهای مکانیزه استان فارس، مجله علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه صنعتی اصفهان، شماره ۳.

- ۲.۶. ازکیا، مصطفی (۱۳۷۸)، جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران، انتشارات اطلاعات، تهران.
۳. انوشیروانی، احمد و مهدی طه (۱۳۷۳)، شرکتهای تعاونی تولید روستایی: مروری بر پیشینه و نگاهی به مسایل و مشکلات، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۳.
۴. انوشیروانی، احمد (۱۳۶۱)، نگرشی بر زراعتهای جمعی دشت ارزوئیه در بافت کرمان: شرکت تعاونی تولید روستایی شاهماران و واحدهای تولید مشاع، مرکز تحقیقات روستایی و اقتصاد کشاورزی، تهران.
۵. انوشیروانی، احمد (۱۳۶۴)، بررسی تعاونیهای تولید روستایی ابقا شده در اصفهان، مرکز تحقیقات روستایی و اقتصاد کشاورزی، تهران.
۶. درویشی نیا، علی اصغر (۱۳۷۹)، ارزیابی میزان موفقیت شرکتهای تعاونی تولید روستایی در استان مازندران، پایان نامه کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس.
۷. روحانی، سیاوش (۱۳۷۶)، بررسی عملکرد شرکتهای تعاونی تولید روستایی استان همدان، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۲۵.
۸. سازمان مرکزی تعاون روستایی (۱۳۶۵)، سیمای تعاون روستایی، وزارت کشاورزی، سازمان مرکزی تعاون روستایی، تهران.

۹. عبدالهی، محمد (۱۳۷۷)، نظام‌های بهره‌برداري، معاونت امور نظام بهره‌برداري وزارت كشاورزي، تهران.

۱۰. لهسائي زاده، عبدالعی (۱۳۷۹)، تعاونیهای تولید کشاورزی به عنوان يك ضرورت، ارائه شده در اولین همایش تعاونیهای تولید روستایی استان فارس، آگهینامه پیام، شماره ۱۶.

۱۱. معصومی، علی اصغر (۱۳۶۷)، بررسی اثرات اجتماعی و اقتصادی شرکتهای تعاونی تولید روستایی، اداره کل کشاورزی استان فارس، شیراز.

۱۲. نوروزی، مهدی (۱۳۵۴)، بررسی مقدماتی شرکتهای تعاونی تولید روستایی ناصری، ورله و شاهماران، وزارت تعاون و امور روستاها، تهران.

۱۳. نوروزی، مهدی (۱۳۵۵)، ارزشیابی فعالیت‌های شرکتهای تعاونی تولید روستایی گچگران و فهلیان، دفتر ارزشیابی شرکتهای سهامی زراعی و تعاونیهای تولید روستایی، وزارت تعاون و امور روستاها، تهران.

۱۴. نورزوی، مهدی (۱۳۵۶)، ارزشیابی فعالیت‌های شرکت تعاونی تولید روستایی مارون، وزارت كشاورزي و عمران روستایی، تهران.

۱۵. نیازی، احمد (۱۳۵۴)، بررسی مقدماتی شرکتهای تعاونی روستایی و تأثیر آنها در اوضاع اقتصادی - اجتماعی روستا، تهران.

۱۶. وزارت کشاورزی: قانون و آیین نامه شرکتهای تعاونی تولید روستایی، سازمان شرکتهای سهامی زراعی و تعاونیهای تولید روستایی، نشریه شماره ۲، اداره کل آموزش خدمات فنی.

17. Benoit, O. (1991), Policy issues in the development of agricultural production cooperatives in Grenada Land Reform, 1(2):85-93.

18. Huizer, G.(1985), Resolving contradictions within cooperatives: A case of participatory action research in Peru, Land Reform Settlement and Cooperatives, 1(2):57-74

19. Juhasz,J.(1986), The reorganization of the agricultural sector of the LAO people's democratic republic through production cooperatives, Land Reform Settlement and Cooperatives, 1(2):61-72.

20. Kumar, B.L (1990), Gambhira cooperative farming society : A successful experimental in collective efforts. *Ind.Jn. of Agri. Econ.*, 45(3):362-366.

21. Lahsaeizadeh, A.(1990), Contemporary rural production cooperatives in Iran, *Annals of Public and Cooperative Economics*, 61(1):117-124.

22. Mustafa, K. (1994), Cooperative credit and the rural poor: Lessons from experience, *Journal of Rural Development & Administration*, 26(4): 71-83.

23. Myrdal, G.(1968), Asian drama, an enquiry into poverty of nations, Vo12. Allen Lane, the Penguin Press, London.

24. UNRISD (1975), Rural cooperatives as agents of change: A research report and a debate , Geneva, 116. (Report No. 74.3).

25. Vehagen, K. (1980), Cooperatives and rural poverty: eight questions answered, *Plunkett Development Series*, No. 1,Oxford.

